روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

سه‌شنبه | ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۹ | ۲۵ رمضان ۱۴۴۱ | ۱۹ مه ۲۰۲۰ | سال دوازدهم | شماره ۲۹۳۱ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

۱۱۸۱ سال و ۱۹۵ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ | VOL.12 | NO.2931 | TUE.MAY.19, 2020 | ISSN:2008-2886

مغفول ماندن ظرفیت آمریکای لاتین به خاطر سیاست‌های غرب‌گرایانه

برد-برد واقعی در بلوک تحریمی‌ها

صفحه ۲

هشدار هماهنگ‌کننده سازمان‌ملل به ماجراجویی صهیونیست‌ها در کرانه باختری

حماس: به مبارزه ادامه می‌دهیم

صفحه ۷

«وطن‌امروز» گزارش می‌دهد؛ پاسکاری اعلام قیمت مصوب بین وزارت صمت و شورای رقابت باعث رشد خودسرانه قیمت خودرو در بازار آزاد شده است

خودرویی قیمت خودرو!

اختلاف قیمت ۶۰ میلیون تومانی پژو ۲۰۶ و ۲۵ میلیون تومانی پراید از کارخانه تا بازار آزاد

صفحه ۳

کنایه‌های ظریف به ترامپ در راستای منافع ملی است یا بخشی از بازی دموکرات‌ها برای انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا؟

کافکا تا برجام

عکس: موناهویه‌فکر/ایسنا

علی آران: محمدجواد ظریف که بیشتر عمرش را به اقتضای شغلی و البته بر خوردن در چمبره حلقه نیویورکی‌ها در سپهر سیاسی و فرهنگی آمریکا نفس کشیده، به شکلی روزافزون مضرات این دورافتادگی از هوای وطن را به معرض نمایش می‌گذارد. او اخیرا با حواله دادن متلکی کافکایی به کاخ سفید برای چندین و چندمین بار خود و دیپلماسی جمهوری اسلامی را در معرض بازی غیرهوشمندانه در میدانی ۱۰۰ درصد آمریکایی قرار داده است.

این همان اشتباهی است که رهبر حکیم انقلاب چنین در موردش هشدار داده بودند: «در میدان تنظیم‌شده از سوی دشمن بازی نکنید؛ چون چه ببرید، چه ببازید، به نفع او است».

وزیر خارجه کشورمان هفته پیش در اوج دعواهای سیاسی ترامپ با دموکرات‌ها که او را به گشودن پرونده «اوباما گیت» در کنگره واداشته، با همان ژست‌های معمول دموکرات‌ها شامل کنایه زدن به حماقت رئیس‌جمهور و البته رقص مضحک با جنازه برجام، وسط یک غائله «آمریکایی- آمریکایی» پریده است. ظریف توئیت کرده است: «آنهایی که به خیال‌پردازی درباره تزریق مواد شوینده برای پاک شدن از ویروس کرونا می‌پرداختند، همان‌هایی هستند که ادعا می‌کنند در قطعنامه‌ای از شورای امنیت سازمان ملل شریکند که توافقی را گرامی می‌دارد که آنها مدت‌ها پیش از مشارکت در آن دست کشیده‌اند. این گفته خود آنهاست. کاش کافکا اکنون زنده بود...».

بدیهی است این پیام تحقیرآمیز، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده و وزیر خارجه‌اش مایک پمپئو را هدف قرار داده باشد. انصافا هم نکات ظریفی که ظریف روی آنها دست گذاشته و قرینه قرار دادن ندانم‌کاری‌های کاخ سفید همچون پیشنهاد تزریق وایتکس به مردم توسط ترامپ از یک سو و تقلای او و پمپئو برای بازگشت به برجام، میل به مطایبه را تقویت می‌کند اما بلافاصله وقتی تصویر کینگ‌کنگ زبان نفهمی را در نظر می‌آوریم که وزیر خارجه ما قصد انگولک او را داشته و سوابق هتاکی‌های او را که خارج از هر گونه چارچوب دیپلماتیک و حتی عرف اخلاقی است به یاد می‌آوریم، متوجه خطر بیهوده‌ای می‌شویم که مطایبه‌کننده و ماموریت او را تهدید می‌کند. بویژه که ظریف با سابقه غافلگیرشدن چندین و چند باره توسط طرف‌های غربی از جمله همان ماجرای کذایی دست دادن با اوباما اصلا کارنامه خوبی در قهرمان‌بازی ندارد و معلوم نیست چه چیزی او را واداشته ناگهان در نقش یک ماتادور، پارچه قرمز را جلوی گاو خشمگینی مثل ترامپ تکان دهد؟ ناگفته پیداست «ماتادور ظریف»، این قهرمان نحیف قصه ما در چه سمتی از میدان قرار گرفته و اگر هم به فرض محال موفق شود در مقابل شاخ‌های گاو یانکی جا خالی دهد، پشت سر او ملتی هستند که لابد باید هزینه جنگ قدرت در آمریکا را در ایران بدهند. تفاوت رویکرد و رفتار رهبر انقلاب که حتی حاضر نیستند نامه رسمی رئیس‌جمهور موهن و بی‌شخصیت یانکی‌ها را از دست قاصد چشم‌بادامی‌اش بگیرند، با دیپلماتی که چنان در مناسبات داخلی آمریکا هضم شده که در فهم صلاح سیاست خارجی وطن خود دچار خطا شده، از همین جا آشکار می‌شود.

رهبر انقلاب آن روز با واکنشی خردمندانه و در عین حال محترمانه به اصرار نخست‌وزیر ژاپن برای تحویل نامه رئیس‌جمهور ایالات متحده تاکید کردند: «شخص ترامپ را شایسته مبادله هیچ پیامی نمی‌دانم و هیچ پاسخی هم به او ندارم و نخواهم داد».

این واکنش نه‌تنها حربه آمریکایی‌ها را خنثی کرد، بلکه آبه شینزو را هم که به عنوان پیام‌رسان ترامپ به تهران آمده بود، مجبور کرد در طول مصاحبت رفته‌رفته از زمین بازی آمریکایی‌ها خارج شده و دست آخر از موضع یک ژاپنی و یک شرقی حرف دلش را بزند که حرف ما نیز هست: «آمریکایی‌ها همواره می‌خواهند طرز فکر و عقاید خود را به دیگر کشورها تحمیل کنند!»

بدین ترتیب مکر مشاوران کاخ سفید که می‌خواستند نظام جمهوری اسلامی را بر سر دو راهی مذاکره یا جنگ قرار دهند، به خودشان باز گردانده شد و رهبر انقلاب بدون آنکه پا در هیچ یک از دو بیراهه مورد نظر واشنگتن بگذارند، در مقام عمل راهبرد «نه مذاکره، نه جنگ» را تبیین کردند. اما ظریف که آن روز در آن کلاس درس کلاسیک سیاست‌ورزی و مهم‌تر، حفظ عزت حاضر بود، بهره‌ای از آن برده است؟ اسفبارتر اینکه او حتی از آن کلاس تاریخی یادداشت هم برنداشته است بویژه آنجا که آیت‌الله خامنه‌ای خطاب به آبه، گویی به در چنین گفتند که دیوار بشنود: «بعد از توافق هسته‌ای، اولین کسی که برجام را بلافاصله نقض کرد، شخص اوباما بود، همان کسی که درخواست مذاکره با ایران کرده و واسطه هم فرستاده بود».

ایشان آن روز حتی برای آنکه برخی حاضران در جلسه عبرت بگیرند، صریحا تاکید کردند قرار نیست پس از کارشکنی آمریکایی‌ها در برجام، تجربه مذاکره با آنها را تکرار کنیم.

■ **کافکا وارد می‌شود...**

کسانی که تجربیات شکست‌های قبلی را به فراموش می‌سپارند، محکوم به تکرار اشتباهات خود هستند. ظریف هم ثابت کرده دچار فراموشی سهوی یا عمدی است، چرا که کمتر از یک سال پس از آن درس، نه‌تنها وارد بازی لفظی با مرد دهان‌گشاد کاخ سفید شده که پایانش همچنان باز است، بلکه در سیاست هم هرازگاه جوری رفتار می‌کند که گویی در زمین دموکرات‌ها- که بخشی از زمین بازی بزرگ‌تر دشمن است- عرق می‌ریزد. همان دموکرات‌هایی که آغازگر تحریم علیه کشورمان بودند و در دوران اوباما از هیچ خصومتی علیه ایران فروگذار نکردند.

ظریف پنجشنبه گذشته توئیت کافکایی اخیرش را باید از باغ ملی تهران (مقر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران) می‌فرستاد نه به گونه‌ای که تصور شود این توئیت را از پلاک ۴۳۰ خیابان ساوث کپیتول واشنگتن (مقر مرکزی حزب دموکراتیک ایالات متحده در جنوب ساختمان کنگره) حواله کاخ سفید کرده، چند قدم آن طرف‌تر از تپه کپیتول و ساختمان کنگره در انتهای خیابان پنسیلوانیا.

او در توئیت اخیرش ژستی اندیشمندانه گرفته و آرزو کرده: «کاش کافکا زنده بود...»

یک نمره مردودی دیگر در کارنامه دیپلماسی عمومی آقای وزیر امور خارجه! او کنایه‌ای رسانه‌ای به ترامپ زده که اکثریت قریب به اتفاق مردم چه در ایران و چه آمریکا درکی از مفهوم آن ندارند. مطمئنا حتی مردم جمهوری چک، زادگاه فرانس کافکا، داستان‌نویس نوگرای اوایل قرن بیستم نیز منظور ظریف را متوجه نشده‌اند. حتی چه بسا کارشناسان ادبی هم نفهمیده باشند آرزوی وزیر امور خارجه فرنگی‌مآب ما دقیقا به کدام یک از آثار مشهور این نویسنده بزرگ اشاره داشته است؟ آیا ظریف ترامپ را به «گری گوار» شخصیت اصلی رمان کوتاه «مسخ» ارجاع داده که نماد از خود بیگانگی انسان مدرن است و «سوسک» می‌شود؟ یا اینکه او ترامپ را به «کارل» شخصیت اصلی رمان «آمریکا» یا به تعبیر خود کافکا «گمشده» تشبیه کرده که در جست‌وجوی رویای آمریکایی در خیابان‌های نیویورک گم‌وگور می‌شود و آینده‌ای مبهم انتظارش را می‌کشد؟

به قول ناباکف، نویسنده سرشناس روس- آمریکایی، کافکا چنان غرق کابوس‌های شخصی خود بوده که پیام شاهکارهایش به فرم بدیع داستانی آنها محدود می‌شود. پیام انسانی ادبیات کافکایی از درک لحظه‌ای نویسنده از زندگی شخصی‌اش فراتر نمی‌رود. همین که او وصیت می‌کند آثارش پس از مرگ به جای انتشار سوزانده شود، گویای این است که کافکا نمی‌خواسته پیامی به کسی بدهد اما به شکلی فانتزی حدود یک قرن پس از مرگش یک نفر به نام محمدجواد ظریف تصمیم می‌گیرد با ادبیات کافکا پیامی برای جهانیان ارسال کند. یا اصلا شاید این یک شوخی مصطلح بین جماعت یک درصدی حاکم بر آمریکا بوده که مخاطب همیشگی ظریف هستند!

هر چه باشد تنها پیامی که ظریف با آرزوی «کاش کافکا زنده بود...» برای شخصیت‌های هوشمند در تهران و واشنگتن صادر کرد، این بود که فردی چنین علاقه‌مند به مناسبات سیاسی اعلانی غرب حتی در خیابان‌های سیاست اعمالی بشدت عملگرایانه «آمریکا» هم گم می‌شود. طبیعتا چنین رویکرد چوب دو سر سوخته‌ای در غائله بین ایران و آمریکا نه می‌تواند به کار واشنگتن بیاید و نه تهران.

■ **کارزار کابوس‌وار**

وجه کابوس‌وار توئیت کافکایی ظریف آنجاست که شخصیت‌های هوشمند تنها کسانی نبودند که پیام گمشدگی آقای دیلماج را دریافت کردند، چرا که مخاطب مستقیم پیام کافکایی ظریف یک شخص زمخت غیرهوشمند به نام دونالد ترامپ است که کینه‌ای شتری دارد.

وزیر امور خارجه دولت روحانی ظاهرا هنوز دل در گرو رویایی بسته که به او در باغ سبز انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ ایالات متحده را نشان داده و اینکه بنفش‌های تهران برای احیای جسد بی‌جان برجام باید تا پایان دوره ترامپ صبر کنند تا بلکه جو بایدن، تنها نامزد دموکرات که در میدان رقابت باقی مانده با معاونت همسر اوباما به کاخ سفید بازگردد.

اما اگر تا پارسال عصبانیت ترامپ و پمپئو صرفا به دخالت‌های جان کری، وزیر خارجه دولت پیشین ایالات متحده در مسائل بین ایران و آمریکا بویژه برجام محدود می‌شد و همین باعث می‌شد آنها شکست‌های راهبردی را که با دخالت دموکرات‌ها به دولت‌شان تحمیل می‌شد با تشدید «فشار حداکثری» روی ایران تلافی کنند اما حالا در به هم ریختگی پساکرونایی ینگه دنیا- که شاهد صف‌بندی همه‌جانبه جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها نه فقط در واشنگتن، بلکه در سراسر ایالت‌های سابقا متحده هستیم- و در اوج رقابت کارزار انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا، هزینه کمک ظریف به ستاد انتخاباتی دموکرات‌ها می‌تواند برای منافع ایران بسیار گران تمام شود.

فراموش نکنیم ما با یک شخص غیرعادی و ناسیاستمدار در کاخ سفید طرف هستیم که رفتار و تصمیمات جنون‌آسایش، ماهیت شیطان بزرگ را چه برای دوست و چه دشمنش هر چه جنون‌آساتر ساخته است. تحریک و تحقیر ترامپ که انجمن روانشناسان ایالات متحده نیز او را فاقد تعادل روانی خوانده و جامعه جهانی همصدا با جامعه نخبگان آمریکایی متفق‌القول هستند که ابرقدرت پیشین به دست او به قهقرا می‌رود، به مثابه به جان خریدن واکنش‌های کور دشمنی نادان است. دشمنی نادان که به واسطه مناسبات ظریف و دموکرات‌ها، تصور می‌کند ظریف در کارزار انتخاباتی آمریکایی- آمریکایی، در طرف دموکرات‌ها ایستاده است. درس بزرگی که از واکنش تاریخی رهبر انقلاب به نامه‌نگاری می‌گیریم، حاکی از خویشتن‌داری در عین حفظ مواضع اصولی برای «کنترل حداکثری» «فشار حداکثری» این یانکی مجنون و مسلح است.

اما ظریف- یکی از همان تکنوکرات‌ها و دیپلمات‌های برج عاج‌نشین که هیچ‌گاه هزینه هیچ یک از ظلم‌ها و ضربات استکبار جهانی به ملت ایران را نداده‌اند- هنوز سرمست خاطره‌بازی با تبلیغاتی است که سال گذشته با عنوان «تیم ب»- اشاره به جنگ‌طلبان و ایران‌ستیزان پیرامون کاخ سفید شامل جان بولتون، بنیامین نتانیاهو، محمد بن‌سلمان و محمد بن‌زاید- راه انداخته بود، غافل از اینکه سر و صداهای او همان زمان هم مانع حملات و تجاوزات کور نظامی و اقتصادی آمریکای ترامپ به ایران و محور مقاومت نشد.

امروز باید به صراحت به ظریف هشدار بدهیم که عملیات ترور فرمانده بزرگ اسلام، سردار شهید قاسم سلیمانی یکی از نتایج دیپلماسی ساده‌انگارانه و غیرانقلابی است. همان دموکرات‌هایی که به خاطر کارزار «تیم ب» در بلندگوهای رسانه‌ای‌شان برای ظریف هلهله می‌کردند، به تمجید این اقدام تروریستی پرداختند که تمام قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی و حتی قانون اساسی ایالات متحده را نقض می‌کرد. دموکرات‌ها تنها تا جایی با ظریف هستند که او سیاست خارجی ترامپ را مفتضح می‌کند. در عین حال مشخص است او را جلو انداخته‌اند تا ترکش‌های حملات ترامپ را به سویی دیگر منحرف کنند.

■ **مرد در قصانی**

کاش برجام زنده بود... تا لااقل تقلاهای ظریف در جهت منافع ملی تعبیر می‌شد اما در حالی که نعش برجام بر زمین مانده و در روزگار سخت‌ترین تحریم‌ها، کشور هیچ منفعتی از مرده و زنده برجام نمی‌برد، ناگهان توئیت برجامی- کافکایی- کذایی ظریف مصادف می‌شود با نمایش مرد در قصانی طرفین دعوا در واشنگتن.

از یک سو کاخ سفید به سیم آخر زده و برایان هوک، مسؤول میز ایران در وزارت خارجه آمریکا طی یادداشتی شرکای اروپایی‌شان را برای فعال کردن مکانیسم ماشه طبق بندهای ۱۰ و ۱۱ قطعنامه پیوست برجام (۲۲۳۱) زیر فشار می‌گذارد که یکی از حفره‌های برجام را به رخ ظریف می‌کشد و ظاهرا همین او را عصبانی کرده و به توئیت‌زنی وامی‌دارد. در طرف مقابل جیک سولیوان، مشاور جو بایدن، نامزد ریاست‌جمهوری دموکرات‌ها و یکی از اعضای تیم وزارت خارجه دوران کری در سلسله مذاکرات هسته‌ای منتهی به برجام در مصاحبه با اندیشکده هادسون، آرزویش برای بازگشت آمریکا به برجام در صورت بازگشت بایدن‌ها و اوباماها به کاخ سفید را توصیف کرده است. جالب اینکه سولیوان و دیگر استراتژیست‌های سیاست خارجی دموکرات‌ها مثل «ویلیام برنز» و «ایلان گلدبرگ» از همین حالا در حال خط و نشان کشیدن برای ایران در صورت تحقق فرض محال زنده ساختن جسد برجام هستند و معتقدند ضمن تقویت عناصری دیگر در برجام- یا همان برجام ۲ و ۳- هیچ یک از تحریم‌های حداکثری دوران ترامپ علیه ایران تعلیق نشود تا فشار حداکثری بر ایران حفظ شود.

افسوس که آقای وزیر امور خارجه هنوز همان راهی را می‌رود که «وطن امروز» درست یک سال پیش در مقاله «قمار با جیب مردم» در موردش پیش‌آگهی داده بود و از او خواسته بود بازیگر عملیات روانی دموکرات‌های آمریکا برای انتخابات ۲۰۲۰ نباشد.

رومن رولان، نویسنده بزرگ فرانسوی معتقد بود سیاستمداران اغلب متفکرانی درجه چندم هستند. بر این اساس اگر بنا باشد ظریف توئیتی از دل تاریخ دریافت کند، شاید چنین مضمونی داشته باشد: «آنهایی که خیال‌پردازی می‌کردند که با برجام تمام تحریم‌ها لغو می‌شود و نه تعلیق، همان‌هایی هستند که خیال می‌کنند آمریکایی که یک‌طرفه از برجام خارج شده، دوباره به آن بازخواهد گشت. کاش برجام زنده بود... کاش رولان زنده بود...».

انتقاد رئیس قوه‌قضائیه از آشفتگی‌های اخیر بازار

دولت بازار را نجات دهد

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از لزوم ایجاد نهاد تخصصی سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر در حوزه اقتصاد دیجیتال

حرکت به سمت اقتصاد دیجیتال

صفحه ۵

تکلیف ورزشکاران ایران در رویارویی با نمایندگان رژیم صهیونیستی مشخص شد

آتش به اختیار

صفحه ۶

اعتراض فراگیر به اقدام دفتر اتحادیه اروپایی در بغداد در برافراشته‌کردن پرچم همجنس‌بازان

فتنه سفارتخانه‌ها

صفحه ۷

آمار مبتلایان به کرونا با ۲۲۹۴ نفر افزایش به ۱۲۲۴۹۲ نفر و تعداد قربانیان به ۷۰۵۷ نفر رسید

آژیر قرمز کرونا برای ۵ استان

■ لرستان، سیستان و بلوچستان، کرمان خراسان شمالی و کرمانشاه در آستانه حضور در جمع مناطق قرمز قرار دارند

صفحه ۴

یادداشت

ترس ایالت‌های آمریکا از دیوانگی ترامپ

[دکتر محمدحسن قدیری‌ابیانه*]

یک- کرونا پایان تاریخ لیبرالیسم را برای همگان عیان کرد. جهان پس از کرونا، تاریخ را به قبل و پس از کرونا تقسیم خواهد کرد. در جهان پس از کرونا آمریکا و جوامع غربی ضعیف‌تر از گذشته خواهند شد و جهان سرعت بیشتری را در عبور از جهان تک‌قطبی به جهان چندقطبی به نمایش خواهد گذاشت.

کرونا نشان داد جنبه وحشی غرب نمرده است. کشورهای هم‌پیمان آمریکا و اروپا در بحران کرونا از یکدیگر دزدی کردند. این ماجرا در درون آمریکا هم اتفاق افتاد. فرمانداران ایالت‌ها از بیم ربوده شدن تجهیزات بهداشتی توسط دولت فدرال و سایر ایالت‌ها نسبت به واردات مخفیانه این اقلام اقدام کردند. در حالی که بیش از ۳۶ میلیون آمریکایی بیکار شده‌اند، بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار بر ثروت سرمایه‌داران اضافه شده است؛ این یعنی مرگ لیبرالیسم.

حضرت امام خمینی به گورباچف فرموده بودند راه‌حل شما پناه بردن به آغوش لیبرالیسم نیست. امروز خود مردم آمریکا هم به این نتیجه رسیده‌اند و فقط عقب‌مانده‌های ذهنی، لیبرالیسم و غرب را هنوز به عنوان الگو معرفی می‌کنند. فاشیسم و نازیسم در غرب رو به گسترش است. پیروزی ترامپ در آمریکا و جانسون در انگلستان و تروریست خواندن حزب‌الله توسط آلمان نشان می‌دهد روح فاشیسم و نازیسم در وجود آنها جریان دارد.

آنها ثابت کردند به انسان‌ها به عنوان عدد و رقم نگاه می‌کنند و نگاه انسانی در رفتارشان مشاهده نمی‌شود لذا از فرصت کرونا استفاده کردند تا از هزینه‌های سالخوردگان و معلولان رهایی پیدا کنند. یعنی وقتی به سنی می‌رسند که نمی‌توانند کمکی به جامعه بکنند همان بهتر که نباشند. این مسأله فقط مخصوص دولتمردان‌شان نیست، بلکه این نگاه در بین مردم‌شان نیز پررنگ است. اینکه کسانی که متصدی امور خانه‌های سالمندان هستند آنها را به حال خود رها کرده، می‌روند و می‌گذارند در تنهایی بمیرند، نمونه‌ای از آن است. حمله به فروشگاه‌ها و غارت و زدوخورد بر سر دستمال توالت عمق و واقعیت فرهنگ بزک‌کرده غرب را به نمایش گذاشت.

دو- یکی از دلایل موفقیت بیشتر ایران با وجود محدودیت امکانات به نسبت غرب در مبارزه با کرونا، نگاه انسانی و عاطفی مردم و کادر درمانی کشورمان بود؛ نگاهی که متاسفانه در غرب دچار قحطی است. غرب قبلا نشان داده بود برای رسیدن به منافع نامشروع خود حاضر است میلیون‌ها نفر از سایر ملت‌ها را قتل عام کند...

ادامه در صفحه ۶